

ضمیمه دوم

انگیزه تشکیل و زمینه های تاسیس و اهداف حزب جمهوری اسلامی

از دیدگاه:

حضرت آیت الله خامنه‌ای سومین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی

اشاره:

آنچه در این ضمیمه از نظر خوانندگان گرامی میگذرد شامل بیانات و سخنرانی‌های حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون انگیزه تشکیل و زمینه‌های تاسیس و اهداف حزب جمهوری اسلامی میباشد. لازم به ذکر است که سخنان معظم له دارای ابعاد گوناگونی میباشد؛ و از آنجایی که بحث اصلی ما در این ضمیمه مربوط به حزب جمهوری اسلامی بوده لذا گزیده‌ای از بیانات و سخنرانی‌هایی را که مرتبط با موضوع بحث ما در این ضمیمه میباشد جهت درج در کتاب انتخاب نموده‌ایم؛ همچنین برای سهولت بیشتر سعی گردیده تا حد امکان مطالب به صورت موضوعی و عنوان‌بندی شده در اختیار عزیزان قرار گیرد.

ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران

آیت الله خامنه‌ای: ... این انقلاب به دلیل اتکا به توده مردم و ارتباط توده مردم با رهبری بی واسطه، دارای تشکیلات منظمی نبود. یعنی این یک حزب و یک تشکیلات و یک گروه‌بندی منظمی نبود که این انقلاب را حمایت کند. این موجب نقاط ضعف فراوان است.

- 1- طرحهای اقتصادی و نیز طرحهای سیاسی اداره کنندگان کنونی، روشن و مشخص نیست.
- 2- کسانی که از یک انضباط حزبی به معنای دقیق کلمه برخوردار باشند در میان انقلابیون بسیار نیستند به همین دلیل است که ما مشاهده میکنیم امروز در جامعه انقلابی ما هر کسی در مسائل مربوطه رای و نظر میدهد پس نظرها قبلاً با هم همگون نشدند و این رای و نظر را حتماً میخواهد تعقیب کند. داشتن رای و نظر جداگانه چندان مساله‌ای برنمی‌انگیزد اما این که هر کسی بخواهد آن نظریاتی که خودش دارد آن را تعقیب کند این به بلبشو می‌انجامد.

سخنان آیت الله خامنه ای در مسجد دانشگاه تهران طبق برنامه هفتگی

نقش حزب در اسلام

برداشت ما از حزب تشکیلات و سازماندهی تمام نیروهای فعال است. ما گفتیم حزب باید نیروهای بالفعل را منسجم کند و نیروهای حرکت دار را در حرکتشان شتابنده کند و نیروهای بالقوه را به فعل در آورد.

این نقش يك حزب است البته این کارها را يك فرد داراي تدبیر و ابتکار عمل هم میتواند انجام دهد اما در دایره ای محدود. جمعی هم وقتی که با این نیت وارد میدان اجتماع بشوند کارائی بیشتری خواهند داشت و حزب یعنی همین انسجام که در هر جامعه ای لازم است و جهتگیری منظم و خوب حزب است که ضامن تداوم يك حرکت اجتماعی است بنابر این اسلام این را میپسندد و قبول میکند از اول اسلام تا دوران حکومتهاي اسلامی حزب وجود داشت از طرف بالاترین چهره های اسلام حزب بود.

پیامبر و حزب

پیغمبر در مکه مسلمانهایی را که بوجود آورد در حقیقت حزبی بوجود آورد که تشکیلاتی و حزبی و زیرزمینی کار میکردند بعد هم که اسلام ظاهر شد دعوت پیامبر شکل حزبی بود یعنی به همان معنایی که حزب در فرهنگ امروز جهانی دارد و بعد از اینکه پیامبر به حکومت رسید حزب دیگر قهرا با آن فلسفه باقی نماند و شکل حکومت پیدا کرد.

حضرت علی (ع) و حزب

بعد از پیامبر، امیرالمومنین (ع) یقیناً حزب داشت بنده رد پای تشکیلات پنهانی امیرالمومنین (ع) را در تاریخ پیدا کرده‌ام و در زندگینامه ائمه در بخشهایی که در دوران اختناق از سال 50 تا 56 بارها برای اجتماعات بزرگ و کوچک گفته و ثابت کرده‌ام و تشیع در روزگار نخستین در حقیقت حزب امامت و حزب ائمه بود.

توصیه های دبیرکل حزب جمهوری اسلامی به اعضا و مسئولین حزب

- 1- هدف خود را در انتصاب به این حزب هدفی کاملاً خدایی قرار دهید هیچ مقصود نفسانی خودخواهانه نمی‌تواند رابطه درستی میان هیچکس با این حزب برقرار کند، آنکه برای عضویت خود، موجبی الهی نمی‌یابد عضو حزب نیست.
- 2- پیوند حقیقی میان اعضا با یکدیگر و اعضا با مرکزیت پیوند اندیشه اسلامی است برای استحکام این پیوند باید آموزشهای عقیدتی و سیاسی تقویت شود.
- 3- حزب باید مرکزی برای احیا و حفظ ارزشهای انقلاب اسلامی باشد.
- 4- اخلاق پایه اصلی و مهمترین ارزش است که در تکوین و ادامه حزب جمهوری اسلامی منظور و مطلوب بوده است.
- 5- تحزب باید در خدمت وحدت جامعه و استحکام بخش بنیان آن باشد.
- 6- حزب باید کمیت توأم با کیفیت را گسترش دهد و نیروهای ارزنده و کارآمد و استعدادهاي مکتوم را کشف و شناسایی کند و با تربیت آنها را در خدمت انقلاب قرار دهد.
- 7- باید در انتخاب یاران و همکاران از بصیرت مومنانه استفاده کند.
- 8- باید کوشید تا حزب را در همه نقاط کشور همچون محوری برای حرکت يك آهنگ ملت و مسوولان در خط اسلام و انقلاب قرار داد.
- 9- میان ما و افراد مومنی که عضو حزب نیستند نباید حساری وجود داشته باشد که راه همکاری برادرانه را ببندد.
- 10- نامهربانانی که بدون انگیزه معاندانه بر حزب با چشم بیگانگی مینگردند، باید مهربانانه مورد عطف قرار گیرند.

11- حزب باید حداکثر کمک و همکاری را در چارچوب مقررات و فرامین امام با نهادهای انقلابی داشته باشد و آن را يك فریضه اسلامي و انقلابي بداند.

12- ضرورت شرکت در بسیج عظیم ملت در جبهه یا در پشت جبهه.

روزنامه جمهوری اسلامی، 1361/11/30، ص 10

دبیرکل حزب جمهوری در ملاقات با گروهی از مسئولین حوزه‌ها و رابطین حزب

ضرورت وجود تشکیلات

اداره کشور

ما قبل از تشکیلات حزب جمهوری اسلامی درك کرده بودیم که اگر يك تشکل سیاسی اسلامي وجود می‌داشت برای اداره کشور در تنگنا نبودیم.

نظم انقلابی در داخل کشور

آن اجتماع، انقلاب مردمی که صدها توطئه سازمان یافته، گروهك، تشکیلات، حزب، سازمان سیاسی، دولتی و جاسوسی با حسابگریهای دقیق و برنامه‌ریزی و با تشکل به طرفش حمله میکنند اگر در داخل خودش تشکل و حسابی نداشته باشد قطعاً در دراز مدت شکست خواهد خورد.

مبارزه با لیبرالها و ملی‌گراها و منافقها

اگر ما در مقابل بنی‌صدر، دارودسته لیبرالها، ملی‌گراها و منافقها که مجموعاً يك معجون را بوجود آورده بودند، حزب جمهوری اسلامی را نداشتیم شکست می‌خوردیم.

آن چیزی که توانست این قدرت را به ما بدهد که مردم را آگاه کنیم همین تشکل بود. اگر ما يك تشکیلات موجهی نداشته باشیم بدانید که دشمن مقید به داشتن تشکیلات و سازمانی است که یقیناً در دراز مدت بر خط امام پیروز خواهد شد حال کدام تشکیلات به میدان بیاید و خودش را سینه به سینه مقابل توطئه‌های سازمان یافته و متشکل قرار بدهد بحث دیگری است. هر کس در این مملکت معتقد باشد که تشکیلات لازم نیست، خوشبینانه‌ترین تعبیرها نسبت به او این است که از توطئه‌های گوناگون و سازمان یافته جهانی دشمنان انقلاب اسلامی اطلاعی ندارد.

نتیجه: تشکیلات برای جامعه انقلابی يك ضرورت است از این رو حزب جمهوری اسلامی مطمئن‌ترین تشکل است که در جامعه ما وجود دارد.

ما معتقدیم که اگر این نهال یعنی حزب جمهوری اسلامی لازم است پس سرمایه‌گذاری روی آن وظیفه و لطمه زدن به آن خیانت و گناه است.

هدف از تشکیل این حزب این نیست که عنوان، اعتبار، جاه و جلالتی کسب کنیم. ما از طریق حزب هیچگونه قدرت‌طلبی نکرده ایم و نباید بکنیم.

حزب نباید نردبان ترقی هیچکس باشد.

مردم ما با فداکاری و رشادت از آرمان مقدس اسلامی و انقلاب اسلامی دفاع میکنند و حزب جمهوری اسلامی بعنوان يك تشکیلات اسلامی باید در

صف مقدم این فداکاریها باشد.

ما در حزب جمهوری اسلامی باید اصلاً تعصب گروهی و حزبی نداشته باشیم این توصیه قطعی ماست ما ظاهرسازی نمی‌کنیم این واقع قضیه

است، اگر غیر از این باشد ما دچار انحراف، خطا و گناه خواهیم شد. انگیزه برادران و خواهران از عضویت در حزب باید خدمت و هدایت باشد.

روزنامه حزب جمهوری اسلامی، 62/11/30 ص 16

بمناسبت 29 بهمن سالروز اعلام موجودیت حزب جمهوری اسلامی

با دبیرکل حزب جمهوری اسلامی (آیت الله خامنه‌ای) درباره حزب جمهوری اسلامی

کیفیت و چگونگی تاسیس حزب جمهوری اسلامی

این خاطره ایست که به دوران اختناق مربوط میشود و با همکاری بهترین دوستان و همکارانی که امروز بعضی از آنها در این دنیا نیستند و در راه همان هدفها و آرمانها شهادت را پذیرفتند.

البته من شرح تشکیل حزب و مقدمات آن را در چند سخنرانی گفته‌ام؛ در تابستان سال 1356 در مشهد من با دو نفر از برادران از روحانیون صحبتی پیرامون تشکیل روحانیت برای سامان بخشیدن به کار مبارزه صحبت میکردیم و البته روحانیت را که آن وقت مطرح میکردیم برای این بود که اول يك قاعده و پایه‌ای بصورت متشکل بوجود بیاید و بعد آن وسیله‌ای بشود تا بتوانیم همین سازماندهی و تشکل را در میان انبوه مردمی که با ما در ارتباط بودند گسترش بدهیم در آن جلسه اول هر کدام از ما فصلی از بی سر و سامانی اوضاع خودمان در ارتباط با هدفها و وظایف مبارزه گله کردیم و بحث سر این میکردیم که در شرایطی که ما هستیم بایستی يك تجمع نیروها و کارهایی انجام بگیرد که قاطع و برنده باشد و بتواند ضربتهای سهمگینی به دستگاه بزند.

در همان جلسه سه یا چهار نفرمان پیشنهاد شد که بیايد يك سازمانی بوجود آوریم از خودهامان و از غیرخودهامان، یعنی ما چند نفر و دیگران و همه‌مان قبول داشتیم که این کار را بکنیم، من پیشنهاد کردم که حالا که داریم این کار را شروع میکنیم حتما لازم است با آقای بهشتی در میان بگذاریم. اتفاقاً آقای بهشتی در مشهد بود، تابستان بود و در تابستان دوستان قم و تهران، همه به مشهد می‌آمدند و بنده هم که در مشهد بودم و تابستانها دیدارهای خوبی در این شهر داشتیم من گفتم که آقای بهشتی هم باید باشد همه قبول کردند که اگر آقای بهشتی باشد این کار بهتر و سریعتر و شسته رفته‌تر پیش خواهد رفت.

برخورد تصادفی با مرحوم شهید باهنر

گفتم برویم پیش آقای بهشتی، یادم نیست همان ساعت، همان روز یا فردای آن روز فکر میکنم همان روز سوار ماشین شدیم و رفتیم طرف منزل آقای بهشتی و بین راه که داشتیم میرفتیم دیدیم که آقای باهنر رفته چیزهایی برای زن و بچهاش خریده و در حال رفتن به خانه است.

صدایش کردیم ایشان گفت کار دارم و ما گفتیم این کار واجبتر است و ایشان را با خودمان به خانه دکنر بهشتی بردیم. رفتیم آنجا البته قصدمان این نبود که حتما امروز صحبت را تمام کنیم قصدمان این بود که صحبت را شروع کنیم.

مشورت با آیت الله بهشتی و نظرات ایشان

اول این احتمال را میدادیم که آقای بهشتی که خیلی از لحاظ برنامه منظم بود و هیچ تخطی از آن قرار و نظم محکم خود نمی‌کرد در این ساعت برنامه‌ای داشته باشد و حاضر نباشد با ما بنشیند، اتفاقاً همین جور هم بود، وقتی رفتیم منزل آقای بهشتی، ایشان از منزل بیرون آمدند و گفتند من الان يك قرار دارم و قرار را برای وقت دیگری بگذارید گفتیم پس قضیه این است برای يك مساله بسیار مهمی به این ترتیب می‌خواهیم با شما صحبت کنیم. قرار بعدی منزل ما شد و ایشان به منزل ما آمدند وقتی ما مساله را تفصیلاً با آقای بهشتی مطرح کردیم، ایشان پذیرفتند و از این کار استقبال کردند و گفتند که من حاضرم، منتهی بیايد کسانی که انتخاب می‌کنید يك خصوصیت را حتما در آنها ملاحظه کنید و آن خصوصیت این باشد که اینها حاضر باشند، سلیقه‌ها و هوسها و خلاصه نیتها خود را قربانی جمع کنند که آن جمع ناگزیر هدفگراتر و آرمانگراتر است یعنی این خصوصیات را در آن کسانی که انتخاب میکنید ملاحظه کنید. ما دیدیم خصوصیت مهمی است و بعدها من توجه کردم که چقدر این تذکر ایشان بجا و مهم بود زیرا که در يك کار جمعی مهمترین کار و مهمترین شرط این است که آن طرف حاضر باشد، جمع گرا باشد، فردگرا و خودگرا نباشد و این نکته‌ای بود که ایشان در همان جلسه به آن توجه کردند و روی آن انگشت گذاشتند. گفتیم بسیار خوب، شخصیتها مبارزی که علاقه‌مند به این راه و این هدف هستند، مشخصند یکی یکی اینها را اسم می‌آوریم و همین حالا مشخص میکنیم که کی باشد کی نباشد، کاغذ و قلم برداشتیم و در همان جلسه بنا کردیم به اسم نوشتن که چه کسانی را دعوت کنیم و به این ترتیب کارها شروع شد، در مشهد، جلسه تشکیل شد و از هم که جدا می‌شدیم، بنا بر این شد که

دنباله جلسات در تهران گرفته شود و من نیز از مشهد برای شرکت کردن به تهران بیایم و بعضی از برادرها که در قم بودند از قم به تهران بیایند همین کار را می‌کردیم در آن شدت اختناق من از مشهد و برادران از قم راه می‌افتادیم و به تهران می‌آمدیم. مثلاً دو روز می‌ماندیم جلسه مستمر چند ساعته‌ای در جایی که از پیش تعیین شده بود تشکیل می‌دادیم و بعد متفرق می‌شدیم، که در یک جلسه که منزل مرحوم شهید باهنر بود، وقتی که متفرق شدیم، چند نفر از برادران ما که داشتند می‌رفتند، (فکر میکنم از جمله آقای ربانی املشی دادستان کل کشور و آقای حجتی‌کرمانی و آقای موحدی‌کرمانی که الان وکیل مجلس شورای اسلامی هستند)، پاسبان به اینها ظن پیدا کرده بود و آنها را گرفته بود منتها بعد که سوار ماشین میکنند که برود، این آقایان با شیوه‌های خیلی جالبی برخورد و رفتاری با پاسبان میکنند که او فکر میکند که نه آقایان اصلاً در این خطها و حسابها نیستند، رهایشان میکند و خطر به این شکل رفع میشود.

ضربه کاری دستگاه به جلسات سری

این جلسات بطور مرتب تشکیل میشد ما درباره تشکیلاتی در آینده که بتواند بخش عظیمی از مردم را در جهت مبارزه بسیج کند، بحث میکردیم، اساسنامه‌ای تنظیم میکردیم و کارها به ترتیب پیش میرفت تا اینکه ناگهان یک ضربت محکمی دستگاه وارد کرد. به این معنی که عده زیادی از روحانیون و افراد سرشناس و چهره‌های برجسته را تبعید کرد عده‌ای از کسانی که در این جریانها بودند جز آن تبعیدها بودند. از جمله خود بنده و از جمله آقای حجتی‌کرمانی از جمله آقای ربانی‌املشی، دیگر از کسانی که از جمع ما تبعید شدند یادم نیست. اما میدانم که عده‌ای از ما تبعید شدیم. یعنی این جمع در حقیقت متلاشی شد همه عناصری از این جمع از وسط خارج شدند و هم فشار زیاد شد که ایجاب میکرد که بقیه افراد در گردهمایی و در ادامه کار احتیاط بیشتری را مراعات کنند، یک چند ماهی به این ترتیب بود تا اینکه بالاخره دوستان تهران که ادامه کار در حقیقت بر عهده آنها بود، به فکر افتادند که کار را ادامه بدهند و راه افتادند به شهرستانها پیش تبعیدها.

یعنی تبعیدی‌هایی که از این جمع در شهرستانها بودند از جمله من و آقای حجتی‌کرمانی که در ایرانشهر بودیم، آقای باهنر آمدند آنجا و یک مرامنامه و اساسنامه‌ای را جلوی ما گذاشتند و گفتند ما این را تهیه کردیم شما بنشینید نظرتان را روی این بدهید و خبرش را به ما بدهید یک طرحی در باب حکومت در اسلام داشتند و یکی دو تا طرح بود به ما دادند گفتند شما در فراغت هستید، فرصت زیاد دارید، بحث کنید و بفرستید تهران که هم نظر شماست و هم اینکه یک مقداری کار ما را پیش برده‌اید. ما واقعا زنده شدیم چون احساس میکردیم که کار از نو دارد ادامه پیدا میکند، کار به این ترتیب ادامه پیدا کرد تا اینکه سال 57 شد و پیروزیهای سیاسی مردم دنبال قضایای تبریز و قم و غیره پیش آمد و در زندانها باز شد و زندانیها خارج شدند و تبعیدیها هم به تدریج از تبعید برگشتند از جمله ماها از زندانی‌هایی هم که آزاد شدند چند نفر را ما از پیش برای عضویت در جمع خودمان کاندیدا کردیم و گفته بودیم، اینها که از زندان آزاد شدند، جمع ما هستند.

از جمله اینها آیت الله منتظری و آقای هاشمی رفسنجانی بودند که عضویت اینها را ما از پیش قطعی کرده بودیم و وقتی که آزاد شدند مجدداً جلساتمان ادامه پیدا کرد.

کیفیت اعلام تشکیلات

قبل از آزادی این آقایان وقتی ما از تبعید برگشتیم محرم نزدیک شد چون در محرم ما قصدمان این بود که آن تشکیلات خودمان را در دهه محرم اعلام کنیم و به این ترتیب در نظر گرفته بودیم که 10 نفر به عنوان اعضای اصلی هیات مرکزی اصلی معرفی شوند و اینها اعلام موجودیت این تشکیلات را بکنند آن وقت فکر میکردیم که بصورت یک سازمان خواهد بود نه به صورت یک حزب و مطمئن بودیم وقتی که این اسامی اعلام شود، دستگاه اینها را خواهد گرفت.

زندان سابق، بانک شخصیت‌های مبارز

آن وقت در نظر گرفته بودیم که 10 نفر دیگر باشند که به مجرد اینکه آن 10 نفر را گرفتند اینها اولاً کار مخفی کنند یعنی اعلام کنند که تشکیلات زیرزمینی شد و این خیلی کار جالبی میشد اولاً تشکیلات ادامه پیدا میکرد، ثانیاً 10 چهره معروف به شکل قهرمانی از این تشکیلات در زندانها حضور میداشتند و یا کشته میشدند یا در زندانها میماندند در هر دو صورت آن تشکیلاتی که در اولین قدم 10 چهره معروف خود را در بانک شخصیتها یعنی زندان (که بانک واقعی چهره‌های مبارز بود)، امانت میگذارد، این تشکیلات امکان ادامه‌اش خیلی زیاد است ما می‌خواستیم این کار را بکنیم. در همین صحبتها بودیم که اعلامیه معروف امام قبل از محرم رسید. آن اعلامیه‌ای که راجع به محرم گفتند «ماهی که خون بر شمشیر پیروز است» وقتی که آن اعلامیه رسید و آن دستوراتی که امام در آن اعلامیه داده بودند که اجتماعات را تشکیل بدهید، در مساجد، در میدانها، به دستگاه‌ها تعهد ندهید، تسلیم تعطیل مجالس و محافل روضه‌خوانی نشوید. وقتی این اعلامیه با این همه دستورات زیاد و واقعا خونین رسید، ما احساس کردیم که وظیفه‌مان تغییر کرد، یعنی باید کار ادامه این تشکیلات را برای بعد از محرم بگذاریم و فعلاً تمام نیرویمان را در راه زنده کردن مضمون این اعلامیه بکار ببریم، این مورد قبول همه دوستان ما قرار گرفت و در آن اوقات که این بحث پیش آمد، آقای موسوی اردبیلی هم داخل این تشکیلات ما شده بودند و این جلسه‌ای که این صحبت در آن مطرح شد، دقیقاً یادم هست که در منزل آقای موسوی اردبیلی بود و آنجا این صحبت را کردیم و گفتیم که نه، دهه محرم را می‌گذاریم برای این اعلامیه منتهی بعد دور هم در تهران جمع میشویم و تصمیم میگیریم، کار خودمان را به همان ترتیبی که قبلاً پیش‌بینی شده بود، ادامه بدهیم این بود که منصرف شدیم، من رفتم مشهد که کارها را در مشهد سامان بدهم و دوستان هم هر کدام در قم و در تهران به تهیه مقدمات محرم مشغول شدند.

کارهای متوالی پرشتاب و نفس‌گیر کمیته استقبال و غیره

راهپیمایی تاسوعا و عاشورا و آن کارهایی که در محرم انجام گرفت نشان می‌داد که حضور برادران ما بسیار هم موثر بود و لازم بود که اینها در صحنه این کار مردمی و عام باشند و اولاً اگر ما اعلام می‌کردیم و زندان می‌رفتیم به احتمال زیاد بسیاری از این کارها انجام نمی‌گرفت و یا به این خوبی انجام نمی‌گرفت بعد از دهه محرم، کارها پی در پی و آن چنان پرشتاب بود که فرصتی به هیچکس نمی‌داد من خودم در مشهد رفتم و دیگر نتوانستم به تهران بیایم. با اینکه قصد این بود که بودم ده پانزده روز بیشتر طول نکشد تا موقع آمدن امام نتوانستم بیایم شاید ده روز به آمدن امام که آقای مطهری از پاریس برگشته بودند، به من در مشهد تلفن زدند که تو چرا به تهران نمی‌آیی و کار واجبی است و آقای منتظری هم که از پاریس برگشته بودند، آمدند که امام دستور دادند که تو از مشهد به تهران بیایی، و بنده فهمیدم که در تهران امر مهمی است، به تهران آمدم و بعد معلوم شد که مرا برای عضویت در شورای انقلاب خواسته‌اند و عضو شورای انقلاب شدم، منظور این است که در مشهد کارها اینقدر زیاد بود که دیگر نتوانستم به تهران بیایم، یکماه، یکماه و نیم و شاید بیشتر در مشهد ماندم، کارها آنقدر متراکم و پی در پی بود که ادامه آن کار خودمان به تعویق می‌افتاد بالاخره با برادران ما که از زندان آزاد شده بودند ما یک جلسه‌ای در قم در منزل آقای مومن تشکیل دادیم آقای مومن که اخیراً عضو شورای عالی قضایی شدند، ایشان هم جز این جمع بودند، آقای منتظری هم در آن جلسه شرکت داشتند در آن جلسه تصمیم گرفته شد که این جمع به دو بخش تقسیم شود، یک بخش به تهران بیاید و یک حزب را شروع کند بخش دیگر در قم بماند و کارهای فکری و ایدئولوژیکی و پشتیبانی آن حزب را بعهده بگیرد. ما چند نفر که بعد حزب را اعلام کردیم همان کسانی بودیم که برای تشکیل حزب معین شدیم این بود که به تهران آمدم. به کارهایمان ادامه دادیم به همین ترتیبی که گفتیم، با تراکمی که در کارهای دیگر بود اینکار به کنده پیش می‌رفت تا اینکه امام وارد ایران شدند و کارهای شدید و نفس‌گیر شبانه روزی کمیته استقبال و غیره واقعا به آدم مجال سر خاراندن نمی‌داد در عین حال ما چند نفر در فرصتی که میشد همیشه می‌گفتیم که کار حزب چه شد یعنی احساس می‌کردیم که وقت دارد می‌گذرد و ما لازم است که هر چند سریعتر این کار را انجام بدهیم تا اینکه ما بالاخره در همان اوقات شلوغی کمیته استقبال بقیه دوستان، به من و مرحوم باهنر ماموریت دادند که ما بیایم اساسنامه و مرامنامه را تمام کنیم.

تنظیم اساسنامه و مرامنامه حزب

چون طرح اساسنامه و مرامنامه ریخته شده بود و تنظیم هم شده بود لیکن يك بازبینی نهایی لازم داشت، این ماموریت به من و مرحوم باهنر داده شد و باید بگویم که بیشترین کارش را مرحوم باهنر کرد. ایشان بسیار آدم پرکار و خستگی‌ناپذیری بود گاهی 10، 15 ساعت کار انفرادی میکرد البته لازم بود در خانه‌ای باشیم که نزدیک کمیته استقبال باشد دوستان ما در آن دور و اطراف خیلی بودند من هم الان خانه‌ام آن طرفه‌است. ولی آن موقع خانه نداشتم و تازه از مشهد آمده بودم و در منزل مرحوم صادق اسلامی بودم شهیدی از 72 تن که جزء بهترین چهره‌های مبارز و قدیمی خالص ما بود. منزل ایشان را انتخاب کردیم چون منزل امنی بود. البته در تنظیم آخرین بندهای مرامنامه بودیم که در این حین از آقای حجتی هم که آن وقت در تهران بودند ما خواستیم که به ما کمک کنند. ایشان به بخشهای آخر مرامنامه به ما کمک کردند.

البته بیشترین کار را ما دو نفر که ماموریت داشتیم انجام دادیم تا اینکه اساسنامه و مرامنامه آماده شد جلسات ویژه هم ادامه پیدا کرد از کسانی که مسوولیت این کار را داشتند ما پنج نفر فقط در تهران بودیم بقیه مثلا آقای حجتی با اینکه جز این عده نبود اما میتوانست جز موسسین حزب باشد ایشان در همین حین به کرمان رفته بود که کار آنجا را اداره کند.

اصرار امام در اعلام موجودیت حزب

ما دور هم نشستیم و این کار را تمام کردیم و خدمت امام بردیم اساسنامه را من خودم شب بردم خدمت امام و به حاج احمد آقا دادم که امام ببیند. اگر نظر مخالف یا تذکری دارند بگویند که ما اصلاح کنیم البته این کار را هم فراموش نکنیم که در همان روزهایی که امام تشریف آورده بودند تا وقتی که ما حزب را اعلام کردیم امام حداقل دو مرتبه از آقای هاشمی رفسنجانی پرسیده بودند که چرا اعلام نمی‌کنید ایشان خبر داشتند که ما درصدد چنین کاری هستیم ایشان هم منتظر بودند که این کار انجام بگیرد بالاخره در روز 29 بهمن ما حزب را اعلام کردیم یعنی اساسنامه و مرامنامه بصورت چاپ شده حاضر بود و ما اعلام کردیم و گفتیم مردم برای نام‌نویسی بیایند.

شور و مشورت و دعوت به همکاری قبل از اعلام موجودیت

دبیرکل حزب در پاسخ به این سوال که نقش فعال در حزب را چه کسانی داشتند و قبل از تاسیس با چه کسانی صحبت شد، اظهار داشتند: در تاسیس حزب نقش فعال مربوط به همین عده از روحانیون بود البته ما از روزی که تصمیم بر ایجاد این تشکیلات گرفتیم و تا روزی که اعلام کردیم با خیلی‌ها صحبت کردیم. از جمله با تعداد کثیری از غیرروحانیون، حتی با افرادی از نهضت آزادی، با افرادی از گروه‌های وابسته به جبهه ملی، با افراد مستقل از غیرروحانی صحبت کردیم تا ببینیم که آیا اینها حاضرند که در يك تشکیلات انقلابی به این ترتیب شرکت کنند یا نه، بعضی‌ها آمادگیشان را اعلام کردند که بعد هم عضو شورای مرکزی حزب ما شدند مثل آقای دکتر شیبانی که ایشان عضو نهضت آزادی هم در حقیقت آن حالت فعالیت خود را از دست داده بود و ایشان دید که يك تشکیلات پرتحرک جدیدی می‌خواهد بوجود آید حاضر شد همکاری کند و بعد هم عضو شورای مرکزی شد. همچنین شخصیتهای مستقلی بودند که ما با آنها در مورد همکاری صحبت کرده بودیم که بعد با ما همکاری کردند و در شورای مرکزی حزب در اوایل، جز ما پنج نفر دیگر هیچ روحانی وجود نداشت.

شورای مرکزی حزب

شورای مرکزی حزب شامل 30 نفر بود که 24 نفر غیر روحانی بودند بنابر این جز موسسین کسی غیرروحانی نبود بجز دست اندرکاران قبل از تاسیس غیر روحانیونی بودند که با آنها صحبت شده بود و بعضی‌ها يك جلسه و بعضی‌ها چندین جلسه مشترک داشتند و اکثریت غیرروحانی بودند. ما با خیلی‌ها صحبت کرده بودیم با دکتر پیمان، دکتر آیت، آقای دکتر کاشانی و مرحوم عراقی، مرحوم دکتر عباسپور، دکتر حداد عادل و ایشان آماده شده بودند و به مجرد اعلام کردیم اینها آمدند و عضو شورای مرکزی شدند که بعضی از اینها شهید شدند و بعضی بتدریج کنار رفتند.

عمده ترین تعهدات حزب

عمده ترین تعهد حزب: ایجاد انسجام میان آحاد ملت است تا بتواند حرکت انقلاب را شتابنده تر کند و نیروهای بالقوه را بالفعل کند. و نیروهای کند را سرعت ببخشد و موانع را از سر راه این حرکت بردارد. حزب در حقیقت نقش هدایت کننده و کمک کننده را دارد. جهت درست انقلاب را مشخص میکند و مردم را به آن جهت هدایت مینماید و در پیمودن این راه کمک میکند.

روزنامه جمهوری اسلامی 60/11/29 ص 4

خاطرات آیت الله خامنه ای دبیرکل حزب جمهوری اسلامی نقش حزب جمهوری اسلامی در تحکیم انقلاب

من خاطره بسیار دارم. هر آنچه که تاکنون گذشته است برای من خاطره است هر جلسه ای که با شهید بهشتی و شهید باهنر و آقای هاشمی رفسنجانی و بقیه برادران داشته ایم برای من خاطره است. البته خاطرات فراموش نشدنی من یکی آغاز تصمیم بوجود آمدن چنین تشکیلاتی در سال 56 است که آنجا با آقای بهشتی و باهنر و بعضی دیگر از برادران در این زمینه جلساتی داشتیم و خاطره دیگر من مربوط است به آن هنگامی که آقای هاشمی از زندان آزاد شده بودند ابتدای تشکیل حزب آقای هاشمی در زندان بودند که البته ما آن موقع جای ایشان را در تشکیلات خالی گذاشتیم تا زمانی که ایشان آزاد بشوند و در تشکیلات حضور داشته باشند و زمانی که آزاد شدند به ایشان گفتیم که جز تشکیلات هستند. آن دیدارهای اولیه برای من خیلی خاطره انگیز است. از جمله خاطرات خیلی جالب برایم خاطره آن روزی است که در دوران اختناق محرم سال 57 در جلسه ای نشستیم بودیم و برای اعلان حزب برنامه ریزی میکردیم که در این هنگام اعلامیه امام رسید. در آن اعلامیه آمده بود «ماهی که خون بر شمشیر پیروز است». تمام برنامه های ما را به هم ریخت چون ما دیدیم فعلاً مساله اصلی تشکیل حزب نیست و با این پیام امام باید در تدارک تشکیل مجامع سخنرانی و افشاگری باشیم یکی از خاطرات شیرین من آن روزهایی است که آخرین کارهای روی اساسنامه را با شهید باهنر در منزل شهید اسلامی انجام میدادیم روزهایی بود که تازه انقلاب پیروز شده بود و دوستان هر کدام به کاری مشغول بودند. ما همه جزء شورایی انقلاب بودیم و به مسائل فوق العاده متراکم و جاری می پرداختیم. در زمانی که هر دقیقه ای یک حادثه رخ میداد در این جو شلوغ قرار شد که اساسنامه را تمام کنیم و حزب را اعلام نماییم. به من و آقای باهنر و آقای حجتی کرمانی ماموریت داده شد که سه نفری بودیم و آخرین کارهای اساسنامه را انجام دهیم. محله ما در مدرسه رفاه بود. ولی منزل شهید اسلامی را که در همان اطراف بود انتخاب کردیم و رفتیم آنجا. آن وقت زمستان بود و در اطاق کرسی وجود داشت و شهید اسلامی هم به خانواده اش سپرده بود که غذا و چای ما را تهیه کنند و ما مشغول کار و مطالعه در زمینه اساسنامه شویم. مرحوم شهید باهنر 24 ساعت از آن اطاق بیرون نیامد. من البته برای انجام بعضی کارها هر چند گاهی بیرون می آمدم ولی ایشان در آن اطاق همین جور ماند و من همان موقع تعجب میکردم از استقامت و خستگی ناپذیری شهید باهنر. همانجا نشستیم و مواد اساسنامه و مرامنامه را مورد بررسی قرار میداد. بعد از آن اساسنامه را در اختیار دیگر دوستان گذاشتیم و همچنین یک جلسه 5 نفری در کانون توحید تشکیل دادیم و اساسنامه را برای بار آخر پیراستیم و یک اعلامیه ای را نیز تهیه کردیم و بعد اساسنامه را من خدمت امام بردم و امام هم نظر موافق داشتند سپس اعلامیه و اساسنامه را در اول اسفند انتشار دادیم. بهر حال آن ساعات متوالی آخرین کارهای اساسنامه جز خاطرات فراموش نشدنی من در حزب است.

روزنامه جمهوری اسلامی 61/11/28 ویژه نامه

**امام امت در دیدار با اعضای شورایی مرکزی حزب جمهوری اسلامی:
هر نفری از ما و شما را شهید کنند به نفع اسلام است و به ضرر آنها**

آیت الله خامنه‌ای:

ما از اول اعلام کردیم که مسوولیت و رسالت حزب این است که بتواند تفکر درست اسلامی را به زوایای جامعه برساند همیشه احساس میکردیم که نبودن تشکیلاتی که فکر صحیح را همه جا منتشر کند يك خلا در جامعه ماست حزب را اصلا با این انگیزه شروع کردیم. ما فکر میکردیم حزب همیشه مثل رگي که خون را به همه جاي بدن میرساند، فکر صحیح را به همه جاي این جامعه برساند.

روزنامه جمهوری اسلامی 60/06/18

آیت الله خامنه‌ای: دبیرکل محترم حزب جمهوری اسلامی هدف از تشکیل حزب جمهوری اسلامی

ما به حزب با این نگاه مینگریم:

يك تشکیلات مردمی، يك پیوند مستحکم میان آحاد ملت، يك رابطه فکری و آموزشی و يك هدایت همه جانبه برنامه‌ریزی شده و عمیق در میان توده‌های مردم، همان چیزی است که مراد و هدف ما از تشکیل حزب جمهوری اسلامی است. هدایت حزبی همان هدایت اسلامی و هدایت سیاسی بر مبنای ارزشهای انقلاب اسلامی است که با دقت و نظم و پیگیری انجام مییابد. از آغاز دو گروه با این هدایت به مقابله برخاستند: دشمنان آگاه، و دوستان ناآگاه، دشمنانی که نقش چنین تشکلی را درک میکردند و دوستانی که این نقش را درک نمی کردند، حزب با این هر دو گروه برخوردی مناسب کرد. دشمنان را افشا کرد و دوستان را تا آنجا که توانست به حقیقت امر آشنا ساخت بی‌شک نمی توان ادعا کرد که آن مخالفت‌ها پایان یافتند و به همین دلیل آگاه‌سازی هنوز برای حزب يك وظیفه بزرگ و اساسی است.

غربت حزب در تولد

فراز و نشیب‌های حزب جمهوری اسلامی در حقیقت نسبت به عمر کوتاهش خیلی فراوان است. ما این حزب را در غربت آغاز کردیم و این حزب در غربت متولد شد. قبل از پیروزی انقلاب این حزب پایه‌گذاری شد و آن هنگامی بود که ما انتظار آن را داشتیم که پس از اعلام رسمی حزب همه ما بازداشت شویم و در فکر بودیم که کسانی را که به جاي خودمان معین کنیم که هنگامی که ما بازداشت شدیم آنها باشند و حزب را به صورت مخفیانه ادامه بدهند. آن زمان ولادت حزب بود.

استقبال مردم برای نامنویسی

با پیروزی انقلاب اسلامی استقبال عمومی و وسیع مردم‌مان برای نامنویسی به حزب شروع شد. چیزی که ما انتظارش را به این حد نداشتیم! شاید همه بدانند یا بعضی بدانند که ما در اساسنامه حزبمان زمان تشکیل کنگره را آن وقتی معین کرده‌ایم که افراد حزب ما به سیصد نفر (300) برسند، فکر می‌کردیم هنگامی که سیصد نفر عضو پیدا کنیم کنگره را تشکیل خواهیم داد و به هیچ وجه انتظار نامنویسی نزدیک به ده هزار نفر در روز اول اعلام حزب را نداشتیم. اما این مطالب واقع شد و بدون انتظار ما مردم به مجرد اینکه اعلان ما را در روزنامه‌ها خواندند و زمان اعلان حزب و مکان آن را دانستند، هجوم آوردند به طوری که ما در نیم روز اول چند هزار نفر نام نوشتیم و مجبور شدیم با يك تلاش فوق‌العاده و پیش‌بینی نشده و تمام نشدنی مقدمات جمع و جور کردن این عده عظیم از مردم را فراهم کنیم به همان کیفیت چند ماه را حرکت کردیم و با اینکه سازماندهی درستی وجود نداشت فکر می‌کنم آن زمان این جمعیت کثیر را در حدود دو میلیون نفر تخمین می‌زدیم و هیچ دستگاه مجرب تشکیلاتی هم نمی‌توانست سازماندهی کند چه برسد به ما که هیچ تجربه‌ای تشکیلاتی سازماندهی قبل از آن را نداشتیم و در آن وضع نابسامان از لحاظ تشکیلاتی و سازماندهی میتوانستیم بسیاری از کارهای اوایل انقلاب را انجام دهیم و این به کمک اخلاص و ایثار برادران و خواهران میبود که شب و روز را در حزب می‌گذراندند و کار می‌کردند

و هیچ توقعی هم نداشتند و برای تلاششان جز ثواب الهی هیچ قصدی نداشتند.

تشکل فراگیر. جلد چهارم - دکتر عبدالله جاسبی

تاریخچه مختصر تشکیل حزب از زبان دبیرکل محترم حزب جمهوری اسلامی (آیت الله خامنه‌ای)

از تابستان سال 1356 که نخستین مقدمات تشکلی اسلامی و مردمی بوسیله چند تن از معتقدان به لزوم چنین تشکلی فراهم میشد در آن تابستان در جمع پنج نفری که شهید بهشتی محور آن بود و شهید باهنر عضو دیگران، طرح چنان تشکلی ریخته شد، به پیشنهاد شهید بهشتی مقرر شد که اولین ملاک برای گزینش یاران «اخلاص» باشد و این بر اساس این باور بود که برای همکاری در آرمانهای خدایی، بدون اخلاص، هیچ شرط دیگری مفید و موثر نیست نام یارانی که از این شرط و شرایط دیگر برخوردار بودند، ثبت شد و نخستین جلسه در یک صبح روشن پاییزی در تهران منزل شهید باهنر منعقد گشت و در آن جلسه و در جلسات متعدد بعد از آن، اساسی‌ترین مسایل مربوط به ایجاد یک تشکلی با خصوصیات مورد نظر مطرح و درباره آنها مباحثات لازم واقع شد.

در آن جمع کوچک دستیابی به یک فکر مورد اتفاق کار دشواری نبود زیرا این برادران، بخشی از عناصری بودند که از دیر باز یعنی دقیقا از سال 1342 و هنگام شروع نهضت انقلابی عظیم ملت مسلمان به لزوم سازماندهی نیروهای مومن و مبارز معتقد بوده و برخی از آنان در این راه تجربیاتی نیز داشتند لیکن در اواخر پاییز همان سال هجوم عوامل رژیم پهلوی به دو حوزه علمیه قم و مشهد و باز داشت و تبعید عده‌ای از چهره‌های شناخته شده و مبارز که کسانی از جمع ما نیز در میان آنان بودند کار را دچار کندي و رکود کرد، هر چند که در دوران تبعید نیز ارتباطات میان اعضای آن جمع کوچک به نحوی باقی ماند، لیکن حرکت مجدد هنگامی آغاز شد که رژیم، زیر فشار افکار عمومی و ضربات مبارزات مردمی مجبور شد در حدود آبان ماه 1357 تبعیدیان وزندانیان را به تدریج آزاد سازد.

در نخستین جلسه پس از شروع مجدد کار (که چهره‌های جدیدی از زندانیان آزاد شده آقای هاشمی رفسنجانی و تنی چند از دیگر شخصیت‌های انقلابی را نیز در خود داشت) و در قم منعقد شده بود مقرر گشت که هفت نفر از برادران در تهران مقدمات تشکیل حزب را فراهم کنند و بقیه در قم پشتیبان‌های معنوی و فکری آن را آماده سازند. پیش از محرم خونین سال 1357 همه به این نتیجه رسیدیم که حزب به صورت آشکار اعلام موجودیت کند و چون در آن شرایط دستگیری سران چنین تشکلی حتمی می‌نمود، عده دیگری آماده باشند که پس از دستگیری گروه اول، استمرار حزب را به صورت مخفی اعلام کنند، بدین وسیله همه انگیزش و هیجانی که از دستگیری سران معروف و شناخته شده حزب پدید می‌آمد، در خدمت استمرار این حرکت انقلابی قرار می‌گرفت.

اعلامیه امام در محرم 1357 همه این تدابیر و پیش‌بینی‌ها را تحت الشعاع قرار داد و کار حزب به بعد واگذار شد و برادران به انجام وظایفی که از آن اعلامیه ناشی می‌گشت سرگرم شدند و بدین ترتیب اعلام رسمی حزبی که به قصد تحقق آرمانهای الهی تشکیل میشد تا اندکی پیش از پیروزی به تأخیر افتاد. در روزها و شبهای پرهیجان و پرمشغله بهمن خونین و همزمان با تشکیل دولت موقت و سپس پیروزی قطعی انقلاب، جمع 5 نفری برادرانی که چه در شورای انقلاب و چه در کمیته استقبال و چه در همه فعالیت‌های دم به دم آن ایام در کنار هم بودند پیگیری از کار تشکیل حزب را فراموش نکردند.

تجربه تشکیل دولت موقت و خالی ماندن صحنه اداره کشور از نیروهای خط امام، درس دیگری بود که زیانهای ناشی از فقدان یک تشکل اسلامی تمام عیار را به رخ ما میکشید، به نظر می‌رسید که شخص امام امت نیز تحت تاثیر این واقعیت که در میان عناصر کاملا مومن و مورد اعتماد، جای یک انسجام و پیوند حساب شده خالی است قرار گرفته و فقدان آن را حس میکردند و شاید به همین دلیل بود که در اولین روزهای پس از پیروزی انقلاب یکی دو بار از یکی از برادران درباره تشکیل حزب پرسیده بودند.

در آخرین روزهای بهمن 57 آخرین اقدام‌های مربوط به تشکیل حزب در جلسات فشرده و پرکار پنج نفره انجام گرفت و مرامنامه و اساسنامه و دستور کار تنظیم شد و در 29 بهمن 57 اعلامیه شروع کار حزب به اطلاع همگان رسید.

اهداف حزب

دو سوال در این میان وجود دارد یکی اینکه هدف‌های حزب جمهوری اسلامی و آرمانها و آینده‌هایی که یاد آن همواره خون در رگهای حزب می‌دوانیده است چیست؟

دیگر اینکه چرا برای رسیدن به این هدفها، تشکیل حزب انتخاب شد؟ مگر رسیدن به این هدفها را بدون این وسیله ممکن نمی‌دانستیم؟ نخست در پاسخ به سوال دوم باید گفت که ما همواره شکست کوشش‌های انقلابی را معمول نداشتن يك تشکل قوی از معتقدان به اندیشه انقلاب میدیده‌ایم. بودند کسانی که به تشکل و نظم نیروهای يك مجموعه اعتقادی نداشتند لیکن کسانی که به پیروی و اعتقاد راسخ به خط انقلاب اسلامی و مردمی ایران شناخته شده‌اند، از دیر باز به تشکل معتقد بودند، شاید بر همین اساس بود که در سال 1342 در حوزه علمیه قم اولین تشکل سیاسی بوسیله عناصری که اکثر آنها تا امروز همواره در صراط مستقیم انقلاب پای فشرده برخی از آنان برجسته‌ترین چهره‌های انقلاب را میسازند بوجود آمد، مرحوم آیت الله ربانی شیرازی از جمله این چهره‌ها بودند. هنگامی که انقلاب پس از پیروزی، برای تشکیل يك جمع مدیر کشور، مجبور به وام گرفتن از این و آن گروه شد و صحنه سیاسی کشوری که با قدرت ولایت معنوی فقیه به آزادی و استقلال دست یافته بود از معتقدان ولایت فقیه خالی ماند و انقلاب ناچار از توسل به کسانی شد که در اعماق قلب خویش به ولایت فقیه عقیده نداشتند، این حقیقت هر چه آشکارتر و مسلم‌تر شد که معتقدان به يك فکر تا وقتی به تشکل و انسجام و نظم و ترتیب نیروها و عناصر خود دست نیافته باشند در صحنه پیگیری از هدفها و آرمانهایشان جایی برای آنان نیست.

ملت ما در طول ده سال گذشته که مشحون از حوادث و تقلبات گوناگون بوده است، بارها چوب عدم تحزب و عدم تشکل را خورده بود، در آغاز پیروزی انقلاب نیز یکبار دیگر سختی این ضربت را چشید، با این توجه اعتقاد ما همواره بر این بوده و هست که وصول به مقاصد و اهداف انقلابی اسلامی بدون داشتن این اجزا یعنی تشکل و انسجام نیروها امکان پذیر نیست. نباید شك کرد که درست به همین دلیل هم بود و هست که دشمنان اهداف انقلابی ملت ایران از آغاز پیدایش حزب جمهوری اسلامی همه قدرت خود را برای کور کردن خط تشکل و انسجامی با این خصوصیات به کار بردند.

در جملاتی کوتاه باید گفت هدفهای حزب همان هدفهای انقلاب است و حزب برای تداوم انقلاب بوجود آمده است، زیرا يك حرکت انقلابی عظیم در صورتی که با عوامل بقا و تداوم خویش همراه نباشد، آسیب‌پذیر و در معرض خطرات بزرگ خواهد بود و لذا پس از پیروزی چنین حرکتی باید بلافاصله در اندیشه موجبات تداوم آن تا رسیدن به آخرین هدفها بود. در شمارش این موجبات به چند سرفصل اساسی برخورد می‌کنیم:

- 1- حضور مردم در صحنه
 - 2- پی‌ریزی بنیان‌های اساسی جمهوری اسلامی
 - 3- برجسته کردن نقش امام و دقت لازم در حفظ و صیانت این محور اساسی انقلاب
 - 4- تعیین اندیشه اسلامی اصیل در اذهان مردم
 - 5- هدایت لحظه به لحظه سیاسی مردم
 - 6- موضع‌گیری صریح و صادقانه در برابر ترفندها و فریبهای دشمنان داخلی و خارجی
 - 7- هدایت دستگاههای اجرایی به سمت هدفهای انقلاب
 - 8- کمک انسانی به این دستگاهها در هنگام لزوم
 - 9- دعوت مردم به یکپارچگی و هماهنگی
 - 10- اصرار به تحقق شعارهای اساسی
- بنیانگذاران حزب، وجود تشکل اسلامی، انقلابی، مردمی، ارزشگرا و پای بند به محور امامت و رهبری را بهترین وسیله برای تامین این موجبات و در

نتیجه تحقق تداوم انقلاب تا پایان خط دانستند و حزب را برای این مقصود بنا نهادند و حزب در میان انبوهی از مشکلات و صفوفی از مخالفان و امواج کوبنده‌ای از مخالفتها به فضل الهی و به مدد اخلاق انبوه مردم مومنی که بدان پیوسته یا به چشم مهر و عطوفت بدان اعتماد کرده بودند توانست بسیاری از این سرفصل و محورها را تامین کند و امید و اعتماد بنیانگذاران و وابستگان خود و بخش عظیمی از ملت ایران را به خویش و به اصل تحزب و تشکل جلب نماید به عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار و عملکردهای حزب جمهوری اسلامی میتوان به همین احساس اعتماد اشاره کرد. پیش از تشکیل این حزب، احساسی که از تشکل و تحزب در ذهن اکثریت مردم ما وجود داشت، احساس تلخ و نومیدانه یا بی‌اعتماد و بی‌تفاوت بود.

شکست گروهها و احزاب از سویی و آلوده شدن حزب و تحزب به هدفهای نامقدس و وسیله‌های نادرست از سویی دیگر در ذهن مردم ما نوعی بدبینی و یا سرخوردگی و یا بی‌تفاوتی نسبت به تحزب بوجود آورده بود و این میتوانست پدیده خطرناک و بدفرجامی باشد برای ملتی که با مبارزه‌ای بزرگ به سمت عالی‌ترین هدفهای اسلامی خود پیش میرود. دور ماندن از هماهنگی و انسجام نیروها خطر بزرگی است که زمینه‌ساز آن بدبینی به تشکل و تحزب است.

آیت الله خامنه‌ای در دیدار با کارکنان واحد امور خارج از کشور حزب جمهوری اسلامی

مهمترین وظیفه ما تبیین اندیشه اسلامی - سیاسی امام است

آن کسانی که رسالت اسلامی و از جمله حزب برای خودشان قائل هستند باید آن پختگی و اندیشه خط امام را آن چنان در مردم واضح و روشن و بی‌اشکال ترسیم کنند که مردم بتوانند خودشان بفهمند که تصمیم بگیرند و بتوانند هرگونه حادثه سیاسی را تحلیل کنند چون اجتماع ما یک اجتماعی است که در آن مردم سالاری است یعنی مردم جلوی این کاروان هستند و کاروان سالار، مردم هستند و مردم این کاروان عظیم را می‌کشاند و مردم در امور دخالت میکنند و مردم میخواهند بدانند.

حزب باید این مردمی که می‌خواهند بدانند و باید که تشخیص دهند و باید همواره بتوانند نقاط ریز و درشت یعنی شگردهای ریز و درشت را لااقل درک کنند یاری دهد، تا بین مسوولین و مردم هیچگونه احساس تضادی نشود و این برای همیشه یک چیزی است لازم و عمق اندیشه اسلامی و عمق اندیشه سیاسی امام برای مردم یک ضرورت است.

تشکل و سازماندهی

اگر یک سازماندهی محکم داخل این جامعه نداشته باشیم مطمئن باشید شکست‌پذیر هستیم تا آن شکلی که، این تشکل و سازماندهی را داشته باشیم و آن کسانی که متکی به تشکل هستند در جامعه‌شان موفق‌ترند. البته این تشکل باید آنچنان ظریف عمل بشود که توده‌های عظیم میلیونی مردم را از دور خارج نکند.

وحدت با تحزب منافاتی ندارد

ما ادعایمان این است که تحزب میتواند موجب وحدت باشد نه موجب تفرق. وحدت با تحزب منافاتی ندارد. در یک جامعه، اتحاد با تحزب ساخته میشود. البته چون ما هدفمان این است که میخواهیم فکر اسلامی و انقلابی را، درست بکار تحزب بپردازیم.

روزنامه جمهوری اسلامی - 61/12/17 ص 12

دبیرکل حزب جمهوری اسلامی (آیت الله خامنه‌ای) در دیدار با اعضای تشکیلات حزب جمهوری اسلامی:

«شهید بهشتی با وجود مشغله‌های زیاد از پایگاه حزب به تمام اندامهای این نظام خون میرساند.»

هدف از تشکیل حزب جمهوری اسلامی

ما میخواستیم در میان ملت يك عده انسان فداکار، مخلص، باایمان و منسجم داشته باشیم که در حقیقت مثل پیشمرگ این نظام کار بکند مثل سپر بلای نظام حرکت کند.

مثل بولدوزری که راهها را میشکافت، مانعها را برمیدارد و حرکت خودش را آغاز میکند و ادامه میدهد تا دیگران بیایند و بروند. اینها این راهها را بشکافتند و ما برای این منظور و مقصود حزب را بوجود آوردیم برادران و خواهران هم به همین منظور و مقصود حزب را اداره میکنند.

برادران و خواهران در سطح کشور به همین منظور و مقصود باید وارد حزب بشوند و حوزه تشکیل بدهند و بعد...

ما حزب را هرگز «نمیخواستیم» برای اینکه عده‌ای از مردم را گوشه‌ای جمع کنیم بگوییم اینها مال ما، اینها جدا و اینها تافته جدا بافته و از دیگران ممتازتر، بقیه مردم هم باید بیایند به هیچ وجه ما این کار را نخواستیم.

روزنامه جمهوری اسلامی 30/1/62 ص 10

رهنمودهای تشکیلاتی از زبان آیت الله خامنه‌ای

– نظم و انضباط تشکیلاتی نخستین شرط کار جمعی و عامل بقا و ادامه آن است برای رعایت این اصل بزرگ باید همه تلاش از سوی مسوولان و اعضا بکار رود.

– حزب جمهوری اسلامی مبتنی بر تفکر و اندیشه اسلامی است. همه موضعگیری‌ها، برخوردها و عملکردها باید با این اصل بزرگ منطبق باشد.

– حزب جمهوری اسلامی، حزب طبقه یا طبقات خاص نیست و مانند هر پدیده اسلامی دیگر، تفکر طبقاتی را مطرود و محکوم میداند. جریان کلی در حزب تنها در جهت خدمت به محرومان و مستضعفان مادی و معنوی است.

– اعضا به مثابه آینه‌ای هستند که چهره حزب در آن منعکس میشود با توجه به این حقیقت همه افراد حزب باید خود را در برابر این شکل بزرگ از این جهت مسوول بشمارند.

– حزب در تبلیغ اصول انقلاب و دستاوردهای آن وظیفه‌ای سنگین بر عهده دارد و باید در جهت انجام این مهم و انجام تبلیغات صحیح و موثر کوشش مستمر خود را ادامه دهد.

– حزب تنها تشکلی است در مردم و از متن مردم. پیوند حزبی باید شما را از مردم جدا نکند و حزب را بصورت چیزی جدای از مردم در نیآورد.

– ما از اول که این حزب را تاسیس کردیم برای هدایت شروع کردیم و برای کار روی اذهان مردم آغاز نمودیم و برای دستگیری از کسانی که محتاج هستند آغاز کردیم.

– این شرط را امروز همه برادران و خواهران ما باید رعایت کنند، شما مال حزب هستید، حزب برای شما نیست، شما برای حزب هستید و حزب برای انقلاب، شما در خدمت حزب هستید و حزب در خدمت انقلاب.

– ما گفته ایم تحزب به وحدت کمک میکند، وقتی این محور وجود داشت مردم به آن توجه میکنند.

روزنامه جمهوری اسلامی 63/11/29 ویژه نامه ص 8

دومین قسمت مصاحبه مهم و اختصاصی سردبیر اطلاعات با آیت الله خامنه‌ای

اختلافات داخل حزب جمهوری اسلامی

حزب ما همان طور که مطلع هستید از آغاز از مجموعه‌ای از افراد که به نظر موسسین این حزب، جامع شرایط بودند تشکیل شد. ولو اینکه بعضی از آن افراد حتی تا شب اول معارفه یکدیگر را نمی‌شناختند. آن شرایط و آن معیارهایی که براساس آنها افراد را دعوت کردیم عبارت بودند از: تعهد به اسلام، تعهد به انقلاب، علاقه و ایمان به نظم تشکیلاتی، روح و خصلت تشکیلاتی که به خصوص مرحوم بهشتی عزیزمان روی این چهارمی خیلی تکیه

میکردند و معتقد بودند که باید کسانی را ما دعوت کنیم که اینها راحت در جمع بتوانند حل شوند، و در ارتباط با همکاریشان ناصافی و ناهنجاری نداشته باشند و پاره ای معیارهای درجه دوم. براساس این معیارها، 30 نفر را دعوت کردیم. طبیعی است که این افراد تا آن شب اکثرشان با یکدیگر آشنائی نداشتند، درخیلی از مسائل علامت سوال داشتند و این علامت سئوال ها بایستی در مرور زمان و همکاری مستمری که باهم داشتند رفع میشد و همین طور هم شد. یعنی ما از شب اولی که در اوایل اسفند 57 نخستین شورای مرکزی 30نفری را در کانون توحید تشکیل دادیم. تا آخرین روزهای زندگی مرحوم شهید بهشتی میان آن کسانی که درشورای مرکزی بودند و ماندند، دائماً به التیام و نزدیکی هر چه بیشتر توأم میشد. البته چند نفری در شورای مرکزی بودند که این عده پس از مدتی رفتند و نماندند. اینها احتمالاً با فردی یا افرادی از شورا ناسازگاری داشتند و نمی توانستند با یکدیگر بسازند، اما کسانی که ماندند از جمله مرحوم شهید دکتر آیت و برادر عزیزمان آقای موسوی که دائماً به یکدیگر نزدیک میشدند و همدیگر را بیشتر میفهمیدند و نقاط مثبت خود را درک میکردند.

منبع پشتیبانی مالی کمکهای مردم است

همانطور که میدانید حزب از لحاظ مادی صد درصد متکی به کمکهای مردمی است و این کمکها از سه طریق انجام میگردد:

1- حق عضویت 2- کمکهای متفرقه مردم 3- وجوهات شرعیه

از آنجایی که کمکهای نوع اول و سوم خیلی کمتر از آن است که بتواند حزب را اداره کند بیشترین منبع پشتیبانی مالی حزب کمکهای متفرقه مردم است. بسیاری کسانی که از دوران پیش از پیروزی انقلاب با ما و بعضی مسوولین دیگر حزب ارتباط مالی داشته‌اند. در دوران اختناق هم بیشترین فعالیتها و تلاشهایی را که متوقف به امکانات مالی بود با کمک آنها ادامه مییافت و این بزرگترین منبع در آمد مالی حزب است ما با توجه به مخارج سنگین حزب که شامل مخارج روزنامه ، اعزام مبلغین و گویندگان مذهبی، نشر کتاب و پوستر و تهیه پلاکارد و امثالهم و تدارک جلسات بزرگ و... میشود ناگزیر هستیم هر از گاهی یکبار دست استمداد بسوی مردم که حزب متعلق به آنان و مسئولان حزب برخاسته از میان آنها هستند دراز بکنیم ما از آغاز تشکیل حزب با دقت و وسواس مقید بودیم که از منابع دولتی به هیچ وجه و به هیچ عنوان استفاده نکنیم حتی در آن روزهای اول انقلاب که هر گروه و دسته یا هر کسی بنام گروه و دسته ای از یکی از صدها ساختمان بزرگ و مجهز دولتی استفاده میکرد ما ترجیح دادیم که محل حزب را اولاً در يك موسسه مذهبی یعنی کانون توحید و پس از چندی در يك ساختمان استیجاری که همان ساختمان کنونی باشد قرار دهیم با این ترتیب چه در روزنامه و چه در کار مخارج حزب تنها نقطه اتکا ما کمکهای مردم بوده و هست. خوشبختانه هر وقت که از مردم استمداد کردیم مردم با گشاده‌رویی و گشاده‌دستی با ما روبرو شدند و مشکل را درک کردند و آن را مرتفع ساختند.

استقبال مردم برای کمک مالی به حزب

طبق اطلاعی که به من دادند استقبال مردم بسیار خوب بوده است ممکن است حجم پولی که داده شده زیاد نباشد اما تعداد مردمی که به ما کمک کردند زیادند و این برای ما از ارزش ویژه‌ای برخوردار است. اگر چه مقدار پول که قسمتی از میزان نیاز ماست هم حائز اهمیت است اما یگانگی و لطف مردم که در تعداد کثیر کمک کنندگان مشهود است برای ما مفهوم والاتر و بهتری دارد.

روزنامه اطلاعات 60/10/06 ص 3

اعضای شورای موسس حزب جمهوری اسلامی

همه باید عقاید واقعی خود را بدون هراس بیان کنند

بطور كلي ميشود گفت كه حزب جمهوري اسلامي، سياسي ايدئولوژيك است. فعاليت اين حزب بر مبناي ايدئولوژي اسلام، فعلا سياسي است البته با توجه به اينكه اسلام در هويت خود، شامل همه ابعاد زندگي اجتماعي است محتواي سياسي و اجتماعي حزب بخوبي روشن مي‌شود. خبرنگار: خط مشي و محتواي سياسي و اجتماعي حزب جمهوري اسلامي چيست؟ آيت الله خامنه‌اي: ما وارث ويرانه‌اي هستيم به نام ايران نظام شاهنشاهي، در واقع از همه نهادهاي اساسي اثري باقي نگذاشته است سازندگي ملت و جامعه ما بر اساس آرمانها و مقاصد پذيرفته شده ضرورت فعاليت تشكيلاتي را ايجاب ميكند اين محتواي حزب ما است. مي‌توانيم نتيجه‌گيري كنيم كه حزب جمهوري اسلامي در نظر دارد به معنای واقعي كلمه ايران - اين جامعه نابود شده را با محتوای سياسي، اجتماعي، انساني و بطور كلي معنوي كه در اسلام وجود دارد و در آن پيش‌بيني شده است ساماندهي كند.

انسان، از قيد و بند آزاد است

آيت الله خامنه‌اي ميگويد: هجوم و استقبال مردم نشان ميدهد كه تاسيس اين حزب ضرورت و نيازي اصيل بود. همين دو روز پيش ظرف هفت ساعت در حدود 10 هزار داوطلب تقاضاي عضويت كرده‌اند.

خبرنگار: ماركسيسم ضد مذهب، اما آزاد است. شما داشتن عقايد ماركسيستي تكيه بر نيروي كارگران و دهقانان از ميان رفتن مالكييت خصوصي و جانشيني مالكييت عمومي را از جانب سازمان چريكهاي فدائي خلق، يا بطور كلي هر گروه ماركسيستي ديگر الزاما ضد مذهبي ميناميد؟ يعني معتقديد كه اين گروهها با مذهب مردم به مخالفت برخوانند خاست و اصولا ميخواهند مردم لامذهب باشند؟

آيت الله خامنه‌اي: اگر روزنامه‌اي بلندگوي تفكرات ماركسيستي باشد، يا بلندگوي حزب توده وابسته به روسها، نتيجه و معنايش اين نيست كه ما به آن لشكركشي كنيم و مدعي باشيم كه چرا بلندگوي آنها شده‌ايد. كمونيستها حق دارند و بيشتر هم حق خواهند داشت كه تفكراتشان را بيان كنند. روزي هم كه ما سازندگي‌ها را پيش ببريم، آزادي آنها از اين هم بيشتر خواهد شد؛ منتها، در برابر ارائه يك فكر، يك فكر ديگر وجود خواهد داشت. ما از موضع ضعيف ايدئولوژي حرف نمي‌زنيم كه از ايدئولوژي ديگري هراس داشته باشيم. آنها عقايدشان را بيان ميكنند ما هم در محيط آزاد و شرايط برابر عقیده‌مان را بيان ميكنيم.

بنابراين تفكر اسلام و تلقي‌اي كه اسلام از انسان دارد اصولا انسان جز در يك محيط آزاد نمي‌تواند رشد كند. در هيچگونه اختناقي - از هر نوع كه باشد - آن رشد و تكامل واقعي كه اسلام براي انسان سراغ دارد مقدور نخواهد بود. تاريخ نشان ميدهد كه در صدر اسلام داشتن تفكر غيراسلامي و حتي ضداسلامي به هيچ وجه ممنوع نبود؛ حتي در خانه خدا از مادي‌گري بحث مي‌كردند بي آنكه بازور با آنها برخورد شود. امروزه اگر اختناقي در زمينه‌هاي فكري سراغ داشته باشيد فقط در نقطه‌اي بلوك‌بندي است. منظورم اين است كه چنين اختناقي فقط در كشورهاي كمونيستي وجود دارد. روزنامه كيهان 57/12/20، ص 5 شماره 10644

خبرنگار: فريدون گيلاني